

گذری بر زندگی عبدالقدیر سبزواری، مؤسس روزنامه «آزاد» در مشهد که مقاله‌های انتقادی‌اش درباره حکومت زبازند بود

مدیر همیشه‌در بند روزنامه آزاد

گروه تاریخ و هویت| عبدالقدیر سبزواری، معروف به «آزاد سبزواری»، برخلاف اسمش، بیشتر روزگار جوانی را در زندان گذراند. او که روزنامه‌نگار بود، در اواخر دوره قاجار جریده‌ای به نام «آزاد»، در مشهد چاپ و منتشر کرد که بر خلاف اسمش همیشه توقیف می‌شد. دلیل این توقیف‌ها و زندانی شدن های عبدالقدیر هم چاپ مقاله‌های انتقادی و اعتراضی او درباره حکومت وقت بود. عبدالقدیر سبزواری پس از پایان تاج‌داری قاجارها و بر تخت نشستن پهلوی اول نیز بر همین رویه ماند و نه تنها لقمه سکوت در دهان نگذاشت که تیغ کلامش را تیزتر هم کرد و با انتشار مقاله‌ها و شب‌نامه‌ها بیرق مبارزه با ظلم، فساد و بی‌عدالتی را برافراشت. امروز، ۲۰ آبان، سالروز درگذشت عبدالقدیر، سبب شد از او و روزنامه‌اش بگوئیم.

- درباره عبدالقدیر آزاد سبزواری، مؤسس روزنامه آزاد
- عبدالقدیر سبزواری متولد ۱۲۷۰ خورشیدی که به «آزاد سبزواری» معروف بود، بعد از تمام شدن درشش، در پست خانه مشهد کاری پیدا کرد و هم‌زمان با آن شد مؤسس کمیته هفت‌نفره‌ای به نام «حامیان مستضعفین». او در لوای این کمیته، شب‌نامه‌هایی را در اعتراض به حکومت وقت چاپ و منتشر می‌کرد. جرعه‌ایجاد این کمیته و چاپ شب‌نامه‌ها راهم انتقاد قرار داد ۱۹۱۹ میلادی (۱۱ رقم زد. مدتی پس از چاپ این اعلامیه‌های اعتراضی، حکومت به او مشکوک و عبدالقدیر دستگیر و برای هشت‌ماه زندانی شد. او پس از آزادی، از عرصه مبارزه با پس نگشید و این‌بار حزب طرف‌داران قانون اساسی را تأسیس کرد و به مخالفت با احمد قوام‌السلطنه، حاکم خراسان، پرداخت. دست‌نشانندگان قوام هم به او اتهام جاسوسی برای انگلیس زدند و عبدالقدیر را به مدت شش ماه دیگر به زندان انداختند.
- مؤسس روزنامه «آزاد» بعد از رهایی از زندان به ناچار و به‌عنوان یک پناهنده، راهی روسیه شد اما اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی، دوری از وطن طاقتش را طاق کرد و دوباره به ایران بازگشت؛ بازگشتی البته بی‌حاصل، چون بلافاصله دستگیر و به اعدام محکوم شد. آفتاب عمر عبدالقدیر داشت غروب می‌کرد که یادرمیانی و واسطه «شیخ حسین یزدی مجتهد» و دیگر ملیون آزادش کرد.
- انتشار جریده «آزاد» در مشهد
- مهرماه سال ۱۳۰۲ خورشیدی عبدالقدیر آزاد سبزواری تصمیم‌گرفت جریده‌ای در مشهد چاپ و منتشر کند. این اتفاق با صدور مجوز وزارت معارف در همین سال محقق شد. عبدالقدیر اسم روزنامه‌اش را «آزاد» گذاشت؛ جریده‌ای که دوامی نیافت، زیرا پس از انتشار نخستین شماره، با شکایت سردار اسعد، والی وقت خراسان، توقیف شد. سردار اسعد در نامه‌ای که رئیس الوزرا (مشیرالدوله) نوشته، دلایل این توقیف را چنین ذکر کرده است: «عبدالقدیر سبزواری که امتیاز «آزاد» را گرفته‌است، مکرر در نظمیه حبس شده‌است و سابق و حشنتاکی دارد. از تهران بدون تشخیص هویت این شخص، امتیاز به او داده‌اند. عبدالقدیر توقیف نشده است. از امتیاز روزنامه‌اش که مرام بلشویکی را ترویج می‌نمود، جلوگیری شد. سابقه او اجازه روزنامه‌نویسی را نمی‌دهد، لذا توقیف خود او را هم امر فرمایید در جراید تکذیب نمایند.»
- مؤسس روزنامه آزاد اما کم نمی‌آورد و آن قدر پیگیری می‌کند تا دوباره می‌تواند اجازه چاپ را به روزنامه توقیف‌شده‌اش بازگرداند؛ باین‌همه، انگار قرار نیست روزگار روی آسایش و آرامشش را به عبدالقدیر همیشه معترض نشان بدهد. یک سال پس از انتشار روزنامه آزاد، این‌بار «جان‌محمدخان امیرعلایی» که در ظلم و استبداد زبازند بود و در آن دوران سمت امیری لشکر شرق را بر عهده‌داشت، او را به دلیل چاپ مقاله‌های انتقادی در روزنامه‌اش، دستگیر کرد و به کلات فرستاد. عبدالقدیر در قلعه کلات دو سال تمام تبعیدی و در بند بود. او پس از آزادی دوباره به مشهد برگشت و طبق روال همیشه، دست به چاپ روزنامه

مرضیه ترابی| فرایند تأسیس فلکه حضرت در میانه دهه ۱۳۰۰ خورشیدی آغاز شد. براساس طرح تصویب‌شده، باید دو نیم‌دایره در اطراف حرم‌رضوی با هدف اتصال مسیرهای بالاخیابان به پایین‌خیابان احداث می‌کردند. تا پیش از این تاریخ، اتصال بین این دو بخش، از دو راه ممکن بود؛ یکی مسیر داخل حرم‌رضوی که از بست بالا، صحن کهنه و بست پایین عبور می‌کرد و طبعاً شب‌ها بسته بود و روزها هم نمی‌شد از وسایلی مانند گاری و... در آن استفاده کرد و دیگری مسیر داخل کوچه‌پس‌کوچه‌های اطراف حرم‌مطهر که بعضاً به دلیل استقرار سایاها (کوچه‌های سقف‌دار)، عبور و مرور در آن‌ها مشکل و گاه غیرممکن بود؛ به‌همین دلیل برای حمل بارهای بزرگ، گاه مجبور بودند مشهد را دور بزنند و از دروازه نزدیک به مقصد وارد آن شوند. چنین رویه‌ای، به‌ویژه بعد از وارد شدن وسایل نقلیه جدید، وضعیت بفرنج‌تری را به وجود آورد؛ به‌همین دلیل، موضوع تأسیس دو مسیر به شکل نیم‌دایره در شمال و جنوب حرم‌رضوی که در اصطلاح اهالی مشهد به «فلکه» شهرت داشت، در دستورکار قرار گرفت. در سال ۱۳۱۰ خورشیدی، ابتدا فلکه جنوبی به بهره‌برداری رسید و برای تسهیل بهتر عبور و مرور، خیابانی را از مسیر جنوب شهر مشهد، به آن متصل کردند که به خیابان «تهران» مشهور شد و امروزه آن را با نام خیابان «امام‌رضا(ع)» می‌شناسیم. پس از مدتی و در اوایل دهه ۱۳۱۰ خورشیدی، فلکه شمالی هم ساخته شد که برای این فلکه نیز خیابانی با جهت شمالی ایجاد کردند. خیابان مذکور به دلیل هم‌جوار بودنش با مقصد «شیخ طبرسی»، به خیابان طبرسی شهرت یافت. از آنجاکه فلکه، به‌ویژه در جبهه جنوبی، بازار مشهد را قطع می‌کرد، بخشی از این بازار در حاشیه مسیر جدیدالتأسیس مستقر شد و به‌تدریج، فضای این میدان بزرگ تازه‌تأسیس، در کنار

فوتو مشهد

تسهیل امور حمل‌ونقل، به یک مرکز اقتصادی هم تبدیل شد. در فتومشهد امروز، شاهد عکسی از دهه ۱۳۰ خورشیدی هستید که بخش از قسمت جنوب غربی فلکه حضرت را نشان می‌دهد. عکاس در حدود ورودی خیابان تهران (امام‌رضا(ع) امروزی) ایستاده و عکس گرفته است. در قسمت راست این تصویر، بخش‌هایی از بازار قدیمی مشهد، البته با الگوی نوین مشاهده می‌شود. اتومبیل‌هایی که به‌عنوان تاکسی فعالیت دارند و تعداد نسبتاً بالای دوچرخه‌ها که به‌عنوان یک وسیله رایج در حمل‌ونقل شهری مورد توجه بودند، از بخش‌های جذاب تصویر امروز فتومشهد محسوب می‌شوند. ساختمان‌های دوطبقه‌ای که در حاشیه میدان (سمت راست تصویر) دیده می‌شوند، در سال ۱۳۱۰ خورشیدی ساخته شدند و نخستین ساختمان‌های دوطبقه در اطراف حرم بودند؛ ساختمان‌هایی که احداث آن‌ها عملاً آغاز تغییر در بافت پیرامونی حرم‌رضوی را رقم زد.

گذری بر زندگی عبدالقدیر سبزواری، مؤسس روزنامه «آزاد» در مشهد که مقاله‌های انتقادی‌اش درباره حکومت زبازند بود

مدیر همیشه‌در بند روزنامه آزاد

مشهد قدیم



این چندبیت بخشی از اشعاری است که آزاد سبزواری در زندان سروده و نصرا... شیفته، آن را همراه با کاریکاتوری از چهره او، در کتاب خود نقل کرده است؛ گرچه عمری است در سیه چالم باز هم خنده‌رو و خوشحالم من نی‌ام هیچ شرمسار ز بند چون نه دزدم، نه پا چه بر مالم کرده‌ام نی خیانتی به وطن بوده نی دعوی زر و مالم نکتم من به اجنبی تعظیم بدهد گر به من همه عالم...

مشخصات روزنامه «آزاد» چاپ مشهد

شروع انتشار: ۲۹ اسفند ۱۳۰۲ خورشیدی

پایان انتشار: احتمالاً ۱۳۰۶ خورشیدی

دوره تاریخی انتشار: قاجار (اواخر حکومت احمدشاه) و پهلوی اول

فاصله انتشار: ابتدا هفتگی، سپس روزانه

صاحب امتیاز: عبدالقدیر سبزواری (آزاد)

مدیر مسئول: عبدالقدیر سبزواری (آزاد)

محل نشر: مشهد، تهران

نشانی: جنب اداره معارف، چهارباغ، اداره روزنامه چمن

نوع و روش: روزنامه سیاسی اقتصادی، ادبی، خبری

چاپخانه: مطبعه توس

نوع چاپ: سری

تعداد صفحات: ۴ صفحه

زبان: فارسی

قیمت تک نمره: ۶ شاهی

۷۰ سال پیش «فلکه حضرت» ابتدای خیابان «تهران»

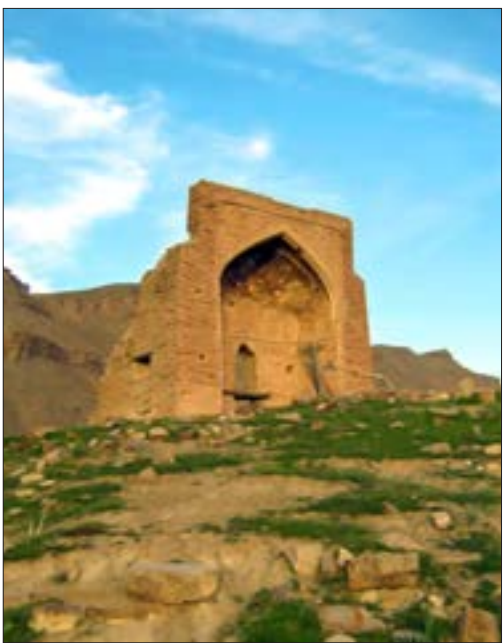


تسهیل امور حمل‌ونقل، به یک مرکز اقتصادی هم تبدیل شد. در فتومشهد امروز، شاهد عکسی از دهه ۱۳۰ خورشیدی هستید که بخش از قسمت جنوب غربی فلکه حضرت را نشان می‌دهد. عکاس در حدود ورودی خیابان تهران (امام‌رضا(ع) امروزی) ایستاده و عکس گرفته است. در قسمت راست این تصویر، بخش‌هایی از بازار قدیمی مشهد، البته با الگوی نوین مشاهده می‌شود. اتومبیل‌هایی که به‌عنوان تاکسی فعالیت دارند و تعداد نسبتاً بالای دوچرخه‌ها که به‌عنوان یک وسیله رایج در حمل‌ونقل شهری مورد توجه بودند، از بخش‌های جذاب تصویر امروز فتومشهد محسوب می‌شوند. ساختمان‌های دوطبقه‌ای که در حاشیه میدان (سمت راست تصویر) دیده می‌شوند، در سال ۱۳۱۰ خورشیدی ساخته شدند و نخستین ساختمان‌های دوطبقه در اطراف حرم بودند؛ ساختمان‌هایی که احداث آن‌ها عملاً آغاز تغییر در بافت پیرامونی حرم‌رضوی را رقم زد.

خراسان نامه

آرامگاه رزمگاه

بنایی تاریخی که هنر معماری‌اش در معرض نابودی است



های‌دقیق‌اخراسان آن قدر میراث تاریخی دارد که گفتن از هرکدام آن هاتوانی عجیب می‌خواهد، چه رسد به اینکه قرار باشد از تک‌تک آن‌ها حراست کرد. البته این توجیه چندان هم شایسته سرزمین زرخیز ایران نیست، اما اکنون مدت‌هاست که در بر همان پاشنه کهنه می‌چرخد، بخش زیادی از آثار باستانی سرزمینمان آن قدر جدا افتاده و هجر کشیده‌اند که بعید است کسی به فکر حفاظت از آن‌ها باشد. اصلاً همه این‌ها به کنار، شمار این آثار آن قدر زیاد است که حتی کسی به فکر نگه‌داشتن وضع موجودشان هم نیست. ازاین‌رو، این آثار که برخی‌شان واقعا شگفت‌انگیزند، رفته‌رفته متروک می‌شوند، سقششان به کف می‌رسد و در آخرین مرحله به دست اهالی منطقه به آغل گوسفند تبدیل می‌شوند، باوجوداین، اگر بنایی بین اهالی شأن و منزلتی داشته باشد، دست‌کم به جای آغل از آن استفاده نمی‌شود؛ رها می‌شود تا بندبندش جدا شود و آجرهایش را برای ساخت‌وساز و گاه تبرک می‌برند و خاکش را برای کشاورزی.

این خلاصه، داستان غم‌انگیزی است که از سویی گریبان برخی آثار تاریخی را گرفته است و از سوی دیگر، در وضع موجود، آثار بدش دامن تاریخمان را می‌گیرد. دوروبرمان را هم اگر نگاه کنیم، از این دست آثار زیاد می‌بینیم و حتی خیلی از این خرابه‌ها در فهرست میراث ملی هم ثبت هستند. امروز در این ستون قصد داریم از بنایی ثبت‌ملی‌شده بگوئیم که ستون و سقف و دیوارش ریخته، اما بخت ایوانش بلند است و انگار بیدی نیست که با این بادهای بی‌توجهی بلرزد.

● میانه راه تاریخی توس به هرات

پیش از رسیدن به شهر فریمان، یکی از چهارراه‌های خراسان بزرگ قرار دارد، سنگ بست در قدیم چهارراه پیونددهنده شاهراه‌های توس و هرات و مرو و نیشابور بوده است. از این شهر تاریخی که به‌سمت هرات برویم، بعداز فریمان، از شمال روستای سفیدسنگ به ارتفاعاتی می‌رسیم که آن پوششان به آبادی‌های بین مشهد و سرخس می‌رسد. کمی پیش از منطقه حفاظت‌شده باغ‌کشمیر، روستایی است به‌نام رزمگاه که به دو بخش بالا و پایین تقسیم شده است. در رزمگاه بالا قلعه‌ای خشتی و تاریخی قرار دارد که مدت‌هاست گوسفند چرانی در آن رواج دارد. کنار این قلعه، قبرستانی است که یک بنای بلند در وسط آن خودنمایی می‌کند. این بنا، بازمانده اثری است که آبان ۱۳۸۲ با عنوان «مقبره رزمگاه» در فهرست آثار ملی قرار گرفته است. متأسفانه از هویت فرد مدفون در این مقبره اطلاعی نداریم، ولی شواهد و معماری بنا می‌گوید که فرد مهمی اینجا دفن شده است.

از مقبره رزمگاه هیچ کتیبه و مدرکی یافت نشده است که تاریخ دقیق ساخت بنا را نشان دهد، اما باتوجه‌به پلان بنا و سنگ‌قبرهای پیرامونش که برخی‌شان تاریخ سده دهم و یازدهم هجری قمری دارند، می‌شود ساخت آن را به دوره صفویه و شاید کمی پیش‌تر از آن نسبت داد. از آنچه ما به‌عنوان مقبره رزمگاه یاد می‌کنیم، فقط یک ایوان باقی مانده است و بقیه بنا که از قضا پلان خوبی هم دارد، بر اثر عوامل طبیعی و بی‌توجهی، تقریباً به پی رسیده است.

● معماری مقبره رزمگاه

مقبره رزمگاه در میان گورستان تاریخی روستا و روی تپه‌ای بلند ساخته شده است و از داخل روستا کاملاً به چشم می‌آید. مصالح به‌کاررفته در این بنا، سنگ و آجر و ملات گل است. به این صورت که پایه و شالوده بنا را سنگ چین کرده و روی آن دیوارهای آجری ساخته‌اند. درشکاف دیوارها نیز چوب‌هایی دیده می‌شود که برای استحکام بنا تعبیه کرده‌اند. بنای مقبره در جهت قبله ساخته شده است و شامل ایوانی در ورودی بنا و فضایی چلیپایی در پشت آن است. این شکل چلیپایی در میان آثار باستانی ایران هم به چشم می‌خورد؛ از طرح روی سفال‌های پیش از تاریخ گرفته تا پلان بناهایی مثل آتشکده دوره ماد نوشیجان در ملایر. دیوارهای چلیپایی آرامگاه‌های نقش رستم مورد شت، نقش کاشی و آجر دوره اسلامی و... پوشش طاق ورودی بنا جناغی است. زیر ایوان آثاری از تزئینات گچی رسمی‌بندی و دو فیلیوش کوچک که زاویه تیز کنج‌ها را گرد کرده‌اند، به چشم می‌خورد. پایین دیوار این ایوان هم گچ‌اندود است و نشان می‌دهد که احتمالاً دیوارهای داخلی بنا را با گچ پوشانده بوده‌اند. جلو این ایوان قبری تقریباً سه‌درشش‌متر قرار دارد که برای اهالی روستا محترم است و از این‌رو، محلی‌ها به این بنا «مزار پیر» می‌گویند. این شکل قرارگیری قبر جلو ایوان، نمونه‌های متعدای مقبره‌سازی منطقه خراسان مثل آرامگاه شیخ‌احمد جامی را به ذهن متبادر می‌کند.

پشت این ایوان، فضایی چلیپایی قرار دارد که دیوارهای بخش بزرگی از آن ریخته و فقط کمی از دیوار قسمتی که به ایوان متصل بوده باقی مانده است و شیب دیوار، حکم پشت‌بند ایوان را دارد. زیر این بخش بنا سردابی وجود دارد که پوشش طاق ضربی و نیم‌دایره‌ای سقف آن در داخل بنا مشخص است. عرض سرداب حدود سه متر است و سقش فروریخته است و داخل آن را با نخاله پر کرده‌اند. باتوجه‌به بقایای پایه طاق روی چهار جزر این بخش، به‌نظر می‌رسد که چهار طاق اطراف این فضا بوده است و سقف را هم با پوشش گنبدی ساخته بوده‌اند.

جلوایوان مزار، قبرهایی وجود دارد که سنگ‌هایی به‌خط نستعلیق و ثلث دارند و تاریخ روی آن‌ها سده‌های دهم و یازدهم هجری را نشان می‌دهد. حتی برخی سنگ‌قبرها روی جرزه‌های دیوار بنا کار شده‌اند که احتمالاً مربوط به دفن افرادی در دوره‌های بعد است. روی هم‌رفته مقبره رزمگاه با این تاریخ دراز و معماری زیبا، امروز حال خوشی ندارد و بیش‌ازپیش به توجه و مرمت و نگهداری نیاز دارد، به‌شکلی که مثل سنگ‌قبرهای ایستاده اطراف بنا، ایوان بلند آن هم سنگ‌قبر تاریخ مدفون در آن است.

شهر

اشنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۳ ۸ جمادی‌اول ۱۴۱۶ شماره ۲۳۳۸

۱۵



تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت